

آیه ۱۵۹

آیه و ترجمه

و ان من اهل الكتب الا لیؤمنن به قبل موته و یوم القیامة یكون علیهم شهیدا
۱۵۹

ترجمه :

۱۵۹ - و هیچیک از اهل کتاب نیست مگر اینکه به او قبل از مرگش ایمان می آورد و روز قیامت گواه بر آنها خواهد بود.

تفسیر :

در تفسیر آیه فوق دو احتمال است که هر یک به جهاتی قابل ملاحظه است:
۱ - آیه می فرماید: «هیچکس از اهل کتاب نیست مگر اینکه به مسیح (علیه السلام) پیش از «مرگ خود» ایمان می آورد.»
(و ان من اهل الكتب الا لیؤمنن به قبل موته)
و آن در هنگامی است که انسان در آستانه مرگ قرار می گیرد و ارتباط او با

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۲۰۴

این جهان ضعیف و با جهان بعد از مرگ قوی می گردد، پرده ها از برابر چشم او کنار می رود، و بسیاری از حقایق را می بیند، نسبت به آن آگاهی می یابد، در این موقع است که چشم حقیقت بین او مقام مسیح (علیه السلام) را مشاهده می کند و در برابر او تسلیم می گردد آنها که منکر او شدند به او مؤمن می شوند و آنها که او را خدا دانستند به اشتباه خود پی می برند.
در حالی که این ایمان همانند ایمان فرعون و اقوام دیگر و اقوامی که گرفتار عذاب می شدند و در لحظه مشاهده عذاب و مقدمات نابودی و مرگ ایمان می آوردند هیچگونه سودی برای آنها ندارد - پس چه بهتر که بجای اینکه در آن لحظه حساس که ایمان سودی ندارد ایمان بیاورند، اکنون که ایمان مفید است مؤمن شوند (طبق این تفسیر ضمیر قبل موته به اهل کتاب بر می گردد).
۲ - منظور این است که تمام اهل کتاب بحضرت مسیح (علیه السلام) پیش از «مرگ او» ایمان می آورند یهودیان او را به نبوت می پذیرند و مسیحیان دست از الوهیت او می کشند و این به هنگامی است که مسیح (علیه السلام)

طبق روایات اسلامی در موقع ظهور مهدی (عج) از آسمان فرود می آید، و پشت سر او نماز می گزارد و یهود و نصارا نیز او را می بینند و به او و مهدی (علیه السلام) ایمان می آورند، و روشن است که مسیح (علیه السلام) به حکم اینکه آئینش مربوط به گذشته بوده و وظیفه دارد در این زمان از آئین موجود یعنی آئین اسلام که مهدی (علیه السلام) مجری آن است پیروی کند (طبق این تفسیر ضمیر قبل موده به مسیح بر می گردد نه به اهل کتاب). در بسیاری از کتب اسلامی این حدیث از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل شده است که فرمود:

کیف انتم اذا نزل فیکم ابن مریم و امامکم منکم :
«چگونه خواهید بود هنگامی که فرزند مریم در میان شما نازل گردد»

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۲۰۵

در حالی که پیشوای شما از خود شما است»، البته مطابق این تفسیر منظور از اهل کتاب جمعیت یهود و مسیحیانی هستند که در آن زمان وجود دارند. در تفسیر «علی بن ابراهیم» از «شهر بن حوشب» چنین نقل شده که روزی حجاج به او گفت آیه ای در قرآن است که مرا خسته کرده و در معنی آن فرو مانده ام، «شهر» می گوید کدام آیه است ای امیر! حجاج گفت: آیه و ان من اهل الکتاب... زیرا من یهودیان و نصرانیانی را اعدام می کنم که هیچگونه نشانه ای از چنین ایمانی در آنها مشاهده نمی کنم، شهر می گوید آیه را درست تفسیر نکردی، حجاج می پرسد چرا! تفسیر آیه چیست! شهر می گوید: منظور این است که عیسی (علیه السلام) قبل از پایان جهان فرود میاید و هیچ یهودی و نه غیریهودی باقی نمی ماند مگر اینکه قبل از مرگ عیسی (علیه السلام) به او ایمان میورد او پشت سر مهدی (علیه السلام) نماز می خواند، هنگامی که حجاج این سخن را شنید گفت: وای بر تو این تفسیر را از کجا آوردی! می گوید از محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) شنیدم، حجاج گفت و الله جئت بها من عین صافیه! «به خدا سوگند آن را از سرچشمه ذلال و صافی گرفتی!» و در پایان آیه میفرماید: «در روز رستاخیز، مسیح (علیه السلام) گواه بر آنها خواهد بود.»

(و يوم القيامة يكون عليهم شهيدا).

منظور از گواهی مسیح (علیه السلام) بر ضد آنها این است که او گواهی میدهد

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۲۰۶

که تبلیغ رسالت کرده و آنها را هیچگاه به خدائی و الوهیت خود دعوت ننموده بلکه به ربوبیت پروردگار دعوت کرده است.
سؤال :

در اینجا این سؤال پیش میاید که طبق آیه ۱۱۷ سوره مائده، مسیح (علیه السلام) گواهی و شهادت خود را در روز قیامت منحصر به زمانی میکند که در میان امت خویش میزیسته است و اما نسبت به بعد از آن این گواهی را از خود سلب می نماید.

و كنت عليهم شهيدا ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت انت الرقيب عليهم و انت على كل شيء شهيد :

«من تا هنگامی که در میان آنها بودم، شاهد و ناظر بر ایشان بودم ولی زمانی که مرا از میان آنها گرفتی تو مراقب آنها بودی و تو بر هر چیز شاهد و گواهی».

در حالی که در آیه مورد بحث میخوانیم مسیح (علیه السلام) در روز قیامت نسبت به همه آنان، اعم از کسانی که در عصر او بودند یا نبودند گواهی می دهد.

پاسخ :

دقت در مضمون دو آیه نشان میدهد که آیه مورد بحث درباره گواهی بر تبلیغ رسالت و نفی الوهیت از مسیح است ولی آیه ۱۱۷ مائده مربوط به گواهی بر عمل می باشد: توضیح اینکه: آیه مورد بحث میگوید: عیسی (علیه السلام) بر ضد تمام کسانی که او را به الوهیت پذیرفتند، اعم از کسانی که در عهد او بودند یا بعدا بوجود آمدند گواهی میدهد که من هرگز آنها را به چنین چیزی

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۲۰۷

دعوت ننمودم ولی آیه ۱۱۷ سوره مائده میگوید: علاوه بر اینکه من تبلیغ رسالت به طرز صحیح و کافی کردم، تا زمانی که در میان آنها بودم عملا از

انحراف آنان جلوگیری کردم و بعد از من بود که موضوع الوهیت من را مطرح کردند و راه انحراف را پیمودند و من آن روز در میان آنها نبودم تا گواه اعمال آنها باشم و از آن جلوگیری کنم.

آیه ۱۶۰-۱۶۲

آیه و ترجمه

فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبات احلت لهم و بصدھم عن سبيل الله كثيرا ۱۶۰

و اخذھم الربوا و قد نهوا عنه و اكلھم اموال الناس بالباطل و اعتدنا للكافرين منهم عذابا اليما ۱۶۱

لكن الراسخون في العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما انزل اليك و ما انزل من قبلك و المقيمین الصلوة و المؤتون الزكوة و المؤمنون بالله و اليوم الآخر اولئك سنؤتيھم اجرا عظيما ۱۶۲

ترجمه :

۱۶۰ - بخاطر ظلمی که از یهود صادر شد و (نیز) بخاطر جلوگیری کردن بسیار، از راه خدا قسمتی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود تحریم کردیم.

۱۶۱ - و (همچنین) به خاطر رباخواری در حالی که از آن نهی شده بودند و خوردن اموال مردم به باطل، و برای کافران آنها عذاب دردناکی آماده کرده ایم.

۱۶۲ - ولی آن دسته از آنها که راسخ در علمند و آنها که ایمان دارند به تمام آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان می آورند و آنها که نماز را بر پا می دارند و آنان که زکاة می دهند و آنها که به خدا و روز قیامت ایمان آورده اند به زودی به همه آنان پاداش عظیمی خواهیم داد.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۲۰۸

تفسیر :

سرنوشت صالحان و ناصالحان یهود

در آیات گذشته به چند نمونه از خلافاکاری های یهود اشاره شد، در آیات فوق نیز پس از ذکر چند قسمت دیگر از اعمال ناشایست آنها، کیفرهائی را که بر اثر این اعمال در دنیا و آخرت دامن آنها را گرفته و می گیرد، بیان میدارد:

نخست می‌فرماید: «به خاطر ظلم و ستمی که یهود کردند، و به خاطر باز داشتن مردم از راه خدا، قسمتی از چیزهایی که پاک و پاکیزه بود، بر آنها تحریم کردیم، و آنان را از استفاده کردن از آن محروم ساختیم»++ (فبظلم من الذین هادوا حرما علیهم طیبات احلت لهم و بصدهم عن سبیل الله کثیرا).

و نیز بخاطر اینکه «رباخواری میکردند با اینکه از آن نهی شده بودند، و همچنین اموال مردم را بنا حق می‌خوردند، همه اینها سبب شد که گرفتار آن محرومیت شوند».

(و اخذهم الربوا و قد نهوا عنه و اکلهم اموال الناس بالباطل).

گذشته از این کیفر دنیوی، ما آنها را به کیفرهای اخروی گرفتار خواهیم ساخت و برای کافران آنها عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم:

(و اعتدنا للکافرین منهم عذابا الیما)

در اینجا به چند نکته باید توجه داشت:

۱ - منظور از تحریم طیبات همان است که در آیه ۱۴۶ سوره انعام به آن اشاره شده آنجا که می‌فرماید: «ما به خاطر ظلم و ستم یهود هر حیوانی

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۲۰۹

که «سم چاک» نباشد (مانند شتر) را بر آنها حرام کردیم و پیه و چربی گاو و گوسفند را که مورد علاقه آنها بود نیز بر آنها تحریم نمودیم مگر آن قسمتی که در پشت حیوان و یا در اطراف امعاء و روده‌ها و یا مخلوط به استخوان بود. بنابراین تحریم مزبور یکنوع تحریم تشریعی و قانونی بود نه تحریم تکوینی، یعنی این مواهب در دست آنها به طور طبیعی قرار داشت اما شرعا از خوردن آن ممنوع بودند.

البته در تورات کنونی سفر لاویان فصل یازدهم اشاره به تحریم قسمتی از آنچه در بالا آوردیم شده است ولی این معنی در آن منعکس نیست که این تحریم جنبه کیفری داشته.

۲ - آیا این تحریم جنبه عمومی داشته و غیر ظالمان را شامل می‌شده یا مخصوص ظالمان بوده! در ظاهر آیه فوق و آیه ۱۴۶ انعام تحریم جنبه عمومی داشته (زیرا تعبیر به «لهم» می‌کند، به خلاف مساله مجازات اخروی که در آن تعبیر به «للكافرین منهم» شده است) بنابراین نسبت به آنها که ستمگر

بوده‌اند این محرومیت جنبه مجازات داشته، و نسبت به نیکان که در اقلیت بوده‌اند جنبه آزمایش و انضباط داشته است.

ولی بعضی از مفسران معتقدند که این تحریم مخصوص ستمگران بوده و در بعضی از روایات نیز اشاره‌ای به آن دیده می‌شود، در تفسیر برهان ذیل آیه ۱۴۶ سوره انعام از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل شده که فرمود: زمامداران بنی اسرائیل افراد فقیر و کم درآمد را از خوردن گوشت پرندگان و چربی حیوانات منع می‌کردند، خداوند بخاطر این ظلم و ستم اینها را بر آنان تحریم کرد.

۳- از این آیه نیز استفاده می‌شود که تحریم ربا مخصوص به اسلام

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۲۱۰

نبوده و در اقوام پیشین هم حرام بوده است، اگر چه در تورات تحریف یافته کنونی تحریم آن مخصوص به برادران دینی شمرده شده است. در آخرین آیه از آیات سه گانه فوق به واقعیت مهمی اشاره شده که قرآن کراراً به آن تکیه کرده است و آن اینکه مذمت و نکوهش قرآن از یهود به هیچ وجه جنبه مبارزه نژادی و ظائفی ندارد، اسلام هیچ نژادی را به عنوان نژاد مذمت نمی‌کند بلکه نکوهشها و حملات آن تنها متوجه آلودگان و منحرفان است، لذا در این آیه افراد با ایمان و پاکدامن یهود را استثناء کرده، و مورد ستایش قرار داده و پاداش بزرگی به آنها نوید می‌دهد، و می‌گوید: «ولی آن دسته از یهود که در علم و دانش راسخند و ایمان به خدا دارند به آنچه بر تو نازل شده و آنچه بر پیامبران پیشین نازل گردیده ایمان می‌آورند ما بزودی پاداش بزرگی به آنها خواهیم داد.»

(لكن الراسخون في العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما انزل اليك و ما انزل من قبلك و المقيمون الصلوة و المؤتون الزكوة و المؤمنون بالله و اليوم الآخر اولئك سنؤتيهم اجرا عظيما)

بهمین دلیل می‌بینیم که جمعی از بزرگان یهود به هنگام ظهور پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و مشاهده دلائل حقانیت او به اسلام گرویدند و با جان و دل از آن حمایت کردند و مورد احترام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و سایر مسلمانان بودند.

آیه ۱۶۳-۱۶۶

آیه و ترجمه

انا اوحینا الیک کما اوحینا الی نوح والنبیین من بعده و اوحینا الی ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و الاسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان و اتینا داود زبوراً ۱۶۳

و رسلاً قد قصصناهم علیک من قبل و رسلاً لم نقصصهم علیک و کلم الله موسی تکلیماً ۱۶۴

رسلاً مبشرین و منذرین لئلا یکون للناس علی الله حجة بعد الرسل و کان الله عزیزاً حکیم ۱۶۵

لکن الله یشهد بما انزل الیک انزلہ بعلمه و الملائكة یشهدون و کفی بالله شهیداً ۱۶۶

ترجمه :

۱۶۳ - ما به تو وحی فرستادیم همانگونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم و (نیز) به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (بنی اسرائیل) و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم و به داود زبور دادیم.

۱۶۴ - و پیامبرانی که سرگذشت آنها را قبلاً برای تو بیان کرده ایم و پیامبرانی که سرگذشت آنها را بیان نکرده ایم و خداوند با موسی سخن گفت.

۱۶۵ - پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند، تا برای مردم بعد از این پیامبران بر خدا حجتی باقی نماند (و بر همه اتمام حجت شود) و خداوند توانا و حکیم است.

۱۶۶ - ولی خداوند گواهی میدهد به آنچه بر تو نازل کرده، که از روی علمش نازل کرده است، و فرشتگان (نیز) گواهی می دهند، گرچه گواهی خدا کافی است.

تفسیر :

در آیات گذشته خواندیم که یهود در میان پیامبران خدا تفرقه می افکندند

بعضی را تصدیق و بعضی را انکار میکردند، آیات مورد بحث، بار دیگر به آنها پاسخ میگوید که: «ما بر تو وحی فرستادیم همانطور که بر نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم و همانطور که بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبرانی که از فرزندان یعقوب بودند و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم و به داود کتاب زبور دادیم.»

(انما اوحینا الیک کما اوحینا الی نوح و النبیین من بعده و اوحینا الی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و الاسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان و آتینا داود زبوراً).

پس چرا در میان این پیامبران بزرگ تفرقه می افکنید در حالی که همگی در یک مسیر گام بر می داشتند.

و ممکن است آیه فوق ناظر به گفتار مشرکان و بت پرستان عرب باشد که از نزول وحی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تعجب می کردند، آیه می گوید چه جای تعجب است مگر وحی بر پیامبران پیشین نازل نشد!!

سپس اضافه می کند پیامبرانی که وحی بر آنان نازل گردید منحصر به اینها نبودند بلکه پیامبران دیگری که قبلاً سرگذشت آنها را برای تو بیان کرده ایم و پیامبرانی را که هنوز سرگذشت آنها را شرح نداده ایم همگی همین ماموریت را داشتند و وحی الهی بر آنها نازل گردید:

(و رسلا قد قصصناهم علیک من قبل و رسلا لم نقصصهم علیک).

و از این بالاتر خداوند رسماً با موسی سخن گفت:

(و کلم الله موسی تکلیماً).

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۲۱۳

بنابراین رشته وحی همیشه در میان بشر بوده است و چگونه ممکن است ما افراد انسان را بدون راهنما و رهبر بگذاریم و در عین حال برای آنها مسئولیت و تکلیف قائل شویم! لذا «ما این پیامبران را بشارت دهنده و انذار کننده قرار دادیم تا به رحمت و پاداش الهی، مردم را امیدوار سازند و از کیفرهای او بیم دهند تا اتمام حجت بر آنها شود و بهانه ای نداشته باشند.»

(رسلا مبشرین و منذرین لئلا یكون للناس علی الله حجة بعد الرسل).

خداوند برنامه ارسال این رهبران را دقیقاً تنظیم و اجرا نموده، چراچنین نباشد با اینکه: «او بر همه چیز توانا و حکیم است.»

(و کان الله عزیزا حکیم)

«حکمت او» ایجاب می کند که این کار عملی شود و قدرت او، راه را هموار می سازد، زیرا عدم انجام یک برنامه صحیح یا به علت عدم حکمت و دانائی است یا به خاطر عدم قدرت، در حالی که هیچیک از این نقائص در ذات پاک او وجود ندارد.

و در آیه آخر به پیامبر دلداری و قوت قلب می بخشد که اگر این جمعیت نبوت و رسالت تو را انکار کردند اهمیتی ندارد، زیرا: «خداوند گواه چیزی است که بر تو نازل کرده است.»

(لکن الله یشهد بما انزل الیک)

و البته انتخاب تو برای این منصب بی حساب نبوده بلکه این آیات را از روی علم به لیاقت و شایستگی تو برای این مأموریت، نازل کرده است (انزله بعلمه).

این جمله ممکن است ناظر به معنی دیگری نیز باشد که آنچه بر تو نازل شده از دریای بی پایان علم الهی سرچشمه می گیرد و محتوای آنها گواه روشنی بر این است که از علم او سرچشمه گرفته، بنابراین شاهد صدق دعوی

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۲۱۴

تو در متن این آیات ثبت است و نیازی به دلیل دیگر نیست، چگونه ممکن است یک فرد درس نخوانده بدون اتکا به علم الهی کتابی بیاورد که مشتمل بر عالیترین تعلیمها و فلسفه ها و قانونها و دستورهای اخلاقی و برنامه های اجتماعی باشد!!

و در پایان اضافه می کند که نه تنها خداوند گواهی بر حقانیت تو می دهد بلکه فرشتگان پروردگار نیز گواهی می دهند اگر چه گواهی خدا کافی است.

(و الملائكة یشهدون و کفی بالله شهیدا)

در اینجا به چند نکته باید توجه کرد:

۱ - بعضی از مفسران از جمله انا و حینا الیک کما و حینا... چنین استفاده کرده اند که قرآن می خواهد این نکته را به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اعلام کند که در آئین تو تمام امتیازاتی که در آئینهای گذشته بوده جمع است، و آنچه «خوبان همه دارند تو تنها داری» در بعضی از روایات اهل بیت (علیهم السلام) نیز اشاره به این معنی شده است و الهام مفسران در این قسمت

در حقیقت به کمک اینگونه روایات بوده.

۲ - در آیات فوق می‌خوانیم که زبور از کتب آسمانی است که خداوند به داود داده است این سخن با آنچه معروف و مسلم است که پیامبران «اولوا العزم» که دارای کتاب آسمانی و آئین جدید بوده‌اند پنج نفر بیشتر نیستند منافات ندارد، زیرا همانطور که از آیات قرآن و روایات اسلامی استفاده می‌شود کتب آسمانی که بر پیامبران نازل گردید دو گونه بود: نخست کتابهایی که احکام تشریعی در آن بود و اعلام آئین جدید می‌کرد اینها پنج کتاب بیشتر نبود که بر پنج پیامبر اولوا العزم نازل گردید و دیگر کتابهایی بود که احکام تازه در بر نداشت بلکه مشتمل بر نصایح و اندرزها و راهنماییها و توصیه و دعاها

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۲۱۵

بود و کتاب «زبور» از این دسته بود - هم اکنون کتاب «مزامیر داود» یا زبور داود که ضمن کتب «عهد قدیم» مذکور است، نیز گواه این حقیقت می‌باشد، گرچه این کتاب همانند سایر کتب عهد جدید و قدیم از تحریف، مصون نمانده، ولی می‌توان گفت: تا حدودی شکل خود را حفظ کرده است، این کتاب مشتمل بر صد و پنجاه فصل است که هر کدام مزبور نامیده می‌شود، و سراسر شکل اندرز و دعا و مناجات دارد.

در روایتی از ابوذر نقل شده که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیدم عدد پیامبران چند نفر بودند فرمود: یکصد و بیست و چهار هزار نفر، پرسیدم رسولان از میان آنها چند نفر بودند! فرمود: سیصد و سیزده نفر و بقیه تنها پیامبر بودند... ابوذر می‌گوید پرسیدم کتابهای آسمانی که بر آنها نازل شد چند کتاب بود! پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: صد و چهار کتاب که ده کتاب بر آدم و پنجاه کتاب بر شیت و سی کتاب بر ادریس و ده کتاب بر ابراهیم (که مجموعاً یکصد کتاب میشود) و تورات و انجیل و زبور و قرآن.

۳ - اسباط جمع سبط (بر وزن سبد) به معنی طوائف بنی اسرائیل است ولی در اینجا منظور پیامبرانی است که از آن قبائل مبعوث شده‌اند.

۴ - چگونگی نزول وحی بر پیامبران مختلف بوده: گاهی از طریق نزول فرشته وحی، و گاهی از طریق الهام به قلب، و گاهی از طریق شنیدن صدا، به این ترتیب که خداوند امواج صوتی را در فضا و اجسام می‌آفریده و از این طریق با

پیامبرش صحبت می کرده از کسانی که این امتیاز را به روشنی داشته، موسی بن عمران (علیهما السلام) بود که گاهی امواج صوتی را از لابلای شجره وادی ایمن و گاهی در کوه طور می شنید، و لذا لقب کلیم الله به موسی داده شده

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۲۱۶

است و شاید ذکر موسی در آیات فوق به صورت جداگانه بخاطر همین امتیاز بوده باشد.

آیه ۱۶۷-۱۶۹

آیه و ترجمه

ان الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله قد ضلوا ضللا بعیدا ۱۶۷
ان الذین کفروا و ظلموا لم یکن الله لیغفر لهم و لا لیهدیهم طریقا ۱۶۸
الا طریق جهنم خالدين فیها ابدًا و کان ذلک علی الله یسیرا ۱۶۹
ترجمه :

۱۶۷ - کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند در گمراهی دور و درازی گرفتار شده اند.

۱۶۸ - کسانی که کافر شدند و ستم (به خود و دیگران) کردند هرگز خدا آنها را نخواهد بخشید و آنها را به راه هدایت نخواهد کرد.

۱۶۹ - مگر به سوی راه دوزخ! که جاودانه در آن خواهند ماند و این کار برای خدا آسان است!

تفسیر :

در آیات گذشته بحثهایی درباره افراد بی ایمان و با ایمان ذکر شده بود، در این آیات اشاره به دسته های دیگر می کند که بدترین نوع کفر را انتخاب کردند، آنها کسانی هستند که علاوه بر گمراهی خود، کوشش برای گمراه ساختن دیگران می کنند، آنها کسانی هستند که هم بر خود ستم روا می دارند و هم بر دیگران، زیرا نه خود راه هدایت را پیموده اند و نه می گذارند دیگران این راه را بپیمایند.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۲۱۷

لذا در نخستین آیه می فرماید: «کسانی که کافر شدند و مردم را از

گام گذاشتن در راه خدا مانع گشتند، در گمراهی دور و درازی گرفتار شده اند.»

(ان الذین كفروا و صدوا عن سبیل الله قد ضلوا ضلالا بعیدا).

چرا این دسته دورترین افراد از جاده حقند! زیرا افرادی که مبلغان ضلالتند، بسیار بعید به نظر می رسد که دست از راهی که خود دعوت بسوی آن می کنند بردارند، آنها کفر را با لجاجت و عناد آمیخته و دربیراهه ای گام گذاشته اند که از راه حق بسیار فاصله دارد.

در آیه بعد اضافه می فرماید: آنها که کافر شدند و ستم کردند (هم ستم به حق کردند که آنچه شایسته آن بود انجام ندادند و هم ستم به خویش که خود را از سعادت محروم ساختند و در دره ضلالت سقوط کردند و هم بدیگران ستم کردند که آنها را از راه حق باز داشتند) چنین افرادی هرگز مشمول آمرزش پروردگار نخواهند شد و خداوند آنها را به هیچ راهی جز راه جهنم هدایت نمی کند.

(ان الذین كفروا و ظلموا لم یكن الله لیغفر لهم و لا لیهدیهم طریقا الا طریق جهنم).

و «آنها برای همیشه در دوزخ می مانند» (خالدین فیها ابدًا). آنها باید بدانند که این تهدید الهی صورت می پذیرد، زیرا: «این کار برای خدا آسان است و قدرت بر آن دارد».

(و كان ذلک علی الله یسیرا).

همانطور که مشاهد می کنیم آیات فوق درباره این دسته از کفار و مجازات آنها، تاکید خاصی دارد، از یکسو ضلال آنها را ضلال بعید و ازسوی دیگر با جمله لم یکن الله... چنین می فهماند که آمرزش آنها هرگز شایسته مقام خدا نیست و باز از سوی دیگر تعبیر به خلود و تاکید آن با کلمه ابدًا همه به خاطر این است که آنها علاوه بر گمراه بودن، کوشش در گمراهی دیگران

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۲۱۸

دارند و این مسئولیت عظیمی است.

آیه ۱۷۰

آیه و ترجمه

یایها الناس قد جائکم الرسول بالحق من ربکم فامنوا خیرا لکم و ان تکفروا فان

لله ما في السماوات و الارض و كان الله عليما حكيما ۱۷۰

ترجمه :

۱۷۰ - ای مردم! پیامبری ((که انتظارش را می کشیدید)) با (برنامه) حق از طرف پروردگارتان آمد، باو ایمان بیاورید که به سود شما است و اگر کافر شوید (به خدا زبانی نمیرسد زیرا) برای خدا است آنچه در آسمانها و زمین است و خداوند دانا و حکیم است.

تفسیر :

در آیات گذشته سرنوشت افراد بی ایمان بیان شد، و این دعوت به سوی ایمان آمیخته با ذکر نتیجه آن می کند، و با تعبیرات مختلفی که شوق و علاقه انسان را بر می انگیزد همه مردم را به این هدف عالی تشویق می نماید. نخست میگوید ((ای مردم همان پیامبری که در انتظار او بودید و در کتب آسمانی پیشین به او اشاره شده بود با آئین حق به سوی شما آمده است.))
(يا ايها الناس قد جاءكم الرسول بالحق.)

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۲۱۹

سپس میفرماید: ((این پیامبر از طرف آن کس که پرورش و تربیت شمارا بر عهده گرفته آمده است)) (من ربکم). بعد اضافه می کند: ((اگر ایمان بیاورید به سود شما است به دیگری خدمت نکرده اید بلکه بخودتان خدمت نموده اید)) (فامنوا خیرالکم). و در پایان می فرماید: فکر نکنید اگر شما راه کفر پیش گیرید به خدایانی میرسد چنین نیست زیرا خداوند مالک آنچه در آسمانها و زمین است می باشد.
(و ان تکفروا فان لله ما في السماوات و الارض).
به علاوه چون خداوند، عالم و حکیم است دستورهای را که به شما داده و برنامه های را که تنظیم کرده همگی روی فلسفه و مصالحی بوده و به سود شما است.

(و کان الله عليما حكيما).

بنابراین اگر پیامبران و برنامه های فرستاده نه بخاطر نیاز خود بوده بلکه به خاطر علم و حکمتش بوده است. با توجه به تمام این جهات، آياسزاوار است که راه ایمان را رها کرده و به راه کفر گام نهید!

قبل

فهرست

بعد